

حرف حساب



امکان ثبت شکایات مردمی از آثار نمایشی خانگی

■ سعید مقبسه / رئیس ساترا

«ساترا» به چند روش محتوای شبکه نمایش خانگی را رصد می‌کند. یک روش، نظارت همکاران ما در بخش پایش است. دومین روش استفاده از سیستم‌های هوش مصنوعی و ماشینی است و سومین روش که بسیار هم برای ما اهمیت دارد، استفاده از نظر مخاطبان و مردم است. در واقع سامانه «سایرا» به نشانی sapra.ir عنوان یکی از سامانه‌های ساترا است که مردم امکان ثبت شکایات خود را از طریق آن دارند. این سامانه دارای بخش‌های مختلفی است. شکایات مردم در حوزه‌های محتوایی، نقض مالکیت معنوی، اخبار جعلی و کذب، تبلیغات و مشکلات فنی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در مرداد ماه سال جاری ۲۵۵ شکایت قابل بررسی داشته‌یم. تفاوت سامانه سایرا با آنچه در خود «وی‌اودی» ها وجود دارد، این است که در سامانه «سایرا» یکی از همکاران ما مسئول است تا با هدف رفع مشکل، شکایات را پیگیری کند. اقدامات ساترا برای بهبود وضعیت محتوای سکوها به سه بخش تقسیم می‌شود: اقدامات ایجابی، سلبی، مدیریتی و فرایندی. سامانه «سایرا» در دسته اقدامات مدیریتی و فرایندی قرار می‌گیرد که اگر مسئول سکو با ممیز مربوط به هر دلیلی متوجه تخلف نشد، از طریق اخذ گزارش‌های مردمی، ساترا تخلفات را پیگیری خواهد کرد. پیگیری رعایت رده‌بندی سنی کودکان و ایجاد سرویس کنترل والدین روی سکوها از دیگر اقدامات مدیریتی و فرایندی ساترا برای بهبود وضعیت محتوایی است. تا اوایل سال جاری ۲۰ سکو دارای سرویس کنترل والدین بودند که خوشبختانه در حال حاضر تعداد آن به ۶۰ سکو رسیده است.

رویداد

کودکان در جشنواره فیلم کودک داوری می‌کنند



مسئول کمیته داوران کودک و نوجوان جشنواره سسی و پنجم از ثبت‌نام ۵۸۳۵ داور کودک و نوجوان در سی و پنجمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان خبر داد.

صدیقه چگونیان با بیان اینکه گروه‌بندی این افراد بر اساس سن آنها تعیین شده است، گفت: در گروه سنی هشت تا ۱۲ سال، ۲۲۶۶ داویر و ۲۱۱ داویر و در گروه سنی ۱۲ تا ۱۶ سال، ۲۱۲ دختر و ۱۳۶ پسر ثبت‌نام کرده‌اند. وی خاطر نشان کرد: کارگاه‌های آموزشی در حوزه آشنایی با مبانی سینما برای این افراد برگزار خواهد شد که جهت سهولت دسترسی این کودکان و نوجوانان، این دوره‌های آموزشی به صورت مجازی در اختیار آنها قرار خواهد گرفت و در ادامه از محتوای کارگاه‌ها، از زبانی به عمل خواهد آمد. چگونیان ادامه داد: داوران کودک و نوجوان در طول ایام جشنواره با حضور در سالن‌هایی که برای آنها مشخص خواهد شد، به تماشای فیلم‌های جشنواره می‌نشینند و سپس به این آثار رأی خواهند داد. سی و پنجمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودک و نوجوان اصفهان با دبیری مجید زین‌العابدین و با مشارکت سازمان سینمایی، بنیاد سینمایی فارابی و شهرداری اصفهان از ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۶ مه‌رمه‌ماه سال جاری (هفتم تا ۱۲ اکتبر ۲۰۲۲) در اصفهان برگزار می‌شود.

نمایش خانگی

«عقرب عاشق» نیشی بر پیکره جامعه



■ معصومه طاهری

از قدیم گفته‌اند «نیش عقرب بر نه از کین است / اقتضای طبیعتش این است». اما در باره سریال «عقرب عاشق» ظاهراً موضوع برعکس است چرا که با اثری رو به‌رو هستیم که انگار به قصد انتقام‌گیری از جامعه تولید شده است. جامعه ایران نجیب، سربه‌زیر، آزاد یخواه و آرم‌ناخواه است و از همه مهم‌تر معنویت‌خواهی جامعه ایرانی است که اجازه ن داده با وجود همه چالش‌هایی که با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند از هم فروبپاشد. درباره چنین جامعه‌ای انصاف حکم می‌کند قضاوت دقیق و درستی ارائه شود اما سریال عقرب عاشق نیز مانند بسیاری از آثار نمایشی در ورطه نگاه تک‌بعدی و گزینشی گرفتار شده و همین نگاه این اثر را دچار افراط‌گرایی در خلق درام کرده است.

سریال «عقرب عاشق» به کارگردانی حسین سهیلی‌زاده کوشیده در قالب یک درام علمی-تخیلی ارائه شده؛ اثری که از زمانی به نام عقرب و پروانه اقتباس شده است، شخصی به نام پهداد به‌طور اتفاقی فوت می‌کند، پس از مرگ، جسد او به سردخانه منتقل می‌شود و مراسم خاکسپاری‌اش انجام شود، اما وقتی که همه چیز به پایان می‌رسد، جسد پهداد ناپدید می‌شود. پس از مدتی او سالم و سلامت در خیابان‌های تهران دیده می‌شود اما رفتار عجیبی دارد و به دنبال خون می‌گردد؛ پهداد تبدیل به یک آدم فضایی شده و به دنبال عقرب می‌گردد و از این طریق گویا قرار بود یک ماجرای هیجان‌انگیز پررزم و راز توأم با ترس را در این مجموعه شاهد باشیم؛ موضوعی که گویا در قسمت‌های بعدی نویسنده آن را فراموش کرده و موجود فضایی ترسناک را به یک

هنر هفتم

«بعد از رفتن» نه ابتدا دارد نه وسط نه انتها!

■ افشین علیار

«بعد از رفتن» به کارگردانی رضا نجاتی با سینما فاصله زیادی دارد، معشون آن تکراری است، قصه‌اش لاغر و کم‌جان و روایتش کلیشه‌ای و پراده‌عاست. فیلمساز فکر کرده است می‌تواند با قصه‌ای کلیشه‌ای اثری روشن‌فکرانه بسازد! اما «بعد از رفتن» نه سر دارد نه وسط و نه انتها، اساساً مشخص نیست درباره چه موضوعی می‌خواهد حرف بزند. جهان فیلم الکن و پلانکلیف است. شخصیت‌ها عقب افتاده‌اند و نقشی در روند درام ندارند، این فیلم اگر ۱۰ سال پیش ساخته می‌شد، شاید موضوعش می‌توانست جذاب باشد اما در شرایط کنونی معنی این فیلم چیست؟ چرا باید ساخته شود و فرایبی از آن حمایت کند؟ «بعد از رفتن» توان قصه‌گویی ندارد و فیلمنامه‌اش ضعیف و حرفه‌دار است. کاراکتر آرش هم تکراری است؛ مردی که به دلیل نوع رفتارش در زندگی باعث شده سرخورده شود و در خانواده جایی نداشته باشد. چنین کاراکتری را بیش از حد در سینمای ایران دیده‌ایم و اتفاقاً بیشتر این نقش‌ها را هم صابر ابر بازی کرده و انگار کارگردان فیلم‌های گذشته صابر ابر را ندیده است! او در فیلم «نزدیک‌تر» هم چنین نقشی را بازی کرده بود اما در آنجا شخصیت او شناسنامه‌دار و باورپذیر بود، ولی در «بعد از رفتن» به دلیل اینکه احتمالاً با طرح چندخطی ساخته شده است، نمی‌توانیم واکنش‌های او را ببینیم. آرش کاراکتری غقیم و مریض است و تکلیفش با خودش مشخص نیست، اینقدر ضعیف و ناتوان است که همه به او توسری می‌زنند و نمی‌توانند چیزی بگویند.

در این فیلم حتی رابطه‌ها هم کلیشه‌اند. رابطه پدر آرش با او در سطح است. حرف‌هایی که بین آرش و پدرش رد و بدل می‌شود واقعاً در فیلمنامه نوشته شده؟ پدر در تعمیرگاه با آرش جدل می‌کند و در سکانس بعد همه چیز تمام می‌شود و پدر، آرش را روی موتور در آغوش گرفته است! این نوع پرداخت الکن‌وار شوخی است. مگر می‌شود رابطه‌های میان شخصیت‌ها به این اندازه معشوش باشد؟ اینکه آرش مدتی اعتیاد داشته و همین مسئله باعث طرد او از خانواده شود، باز هم کلیشه است. اینکه او خود را باعث و یانی مرگ همسرش می‌داند هم تکرار دیگر آثار سینمای ایران است. انگار کارگردان از فیلم‌های دیگر کلاژ انجام داده و هر مقطع از فیلم برای یک فیلم دیگر است که در اینجا با شکلی دیگر به‌بدرترین و معشوش‌ترین شکل ممکن به هم پیوند خورده است، فیلم به جای اینکه نشان دهد بیشتر حرف می‌زند، حرف‌های تکراری که قصه نمی‌بند آن را هم جلو نمی‌برد، چگونه فیلمساز فکر کرده «بعد از رفتن»، یک اثر سینمایی است؟ آیا نگه



نمای نزدیک

ناهنجاری‌های کلامی مثل استفاده از الفاظ رکیک و مصرف دخانیات، دعوا و درگیری و نمایش شیشه‌های پر از خون (برای آزمایش) در سریال وجود دارد و از قرار عوامل این مجموعه سلاقی و علاقی خودشان با همان سبک زندگی را که در معرض آن هستند، اصل گرفته و عادی نشان می‌دهند.

انسان تمام‌عیار عاشق پیشه کلیشه‌ای تبدیل کرده است؛ انسانی که مگر در شرایط خیلی خاص، کار متفاوتی از دیگران انجام نمی‌دهد، حتی سیگار هم می‌کشد! «عقرب عاشق» با بازیگران زیادی دارد که اغلب پیشکسوت و باتجربه هستند و قطعاً توقع مخاطب از کار بالا می‌رود اما برخلاف تصور، شاهد کاری دیدنی و حرفه‌ای از آنها نیستیم، به خصوص بازیگران فضایی که بیشتر مضحک هستند تا ترسناک و عجیب. «من زمین را دوست دارم» ابوالحسن داوودی که در ژانری فانتزی-تخیلی در سال ۱۳۷۲ ساخته شده بود، جذاب‌تر از این اثر بود؛ عقرب‌ها در سقینه فضایی تفاوت خاصی با آدم‌های روی زمین ندارند، گرم، جلوه‌های بصری و حرکات رفتاری و گفتاری‌شان خیلی ضعیف است، بیشتر به یک کار کودکانه می‌ماند تا زائر ترسناک داستان درونمایه ضعیف و نسبتاً کلیشه‌ای کار را دچار مشکلات عدیده کرده است. ویژگی‌های تدوین، نورپردازی و گاه صحنه‌آرایی اما تا حدودی قابل قبول است، اگر مجموعه برای تلویزیون بود، می‌توانستند بهانه کمبود بودجه و محدودیت‌ها را برای ضعف‌ها بیاورند، در حالی که در تولیدات شبکه خانگی دست‌کارگردان و تهیه‌کننده به لحاظ بودجه همواره باز بوده است و تولید چنین



نمای نزدیک

چرا اینقدر سینما برای کارگردان ساده و بی‌کار کرد است؟ چرا فیلمساز فکر می‌کند مخاطب می‌تواند با این فیلم ارتباط برقرار کند؟ «بعد از رفتن» در خوش‌بینانه‌ترین حالت ممکن می‌تواند یک تله‌فیلم باشد، این فیلم روی پرده سینما نابلدی کارگردانش را لو می‌دهد

این فیلم روی پرده سینما نابلدی کارگردانش را لو می‌دهد؛ کارگردانی که نه پرداخت و نه پردازش می‌داند، فیلمسازی که حتی در میزآنسن و دکوپاژ ضعف‌های بفرنجی دارد. این گونه از فیلم‌ها که سیاه و نامیدکننده هستند، نمی‌توانند به سینمای ایران کمک کنند. سینمای ایران امید می‌خواهد اما «بعد از رفتن» مخاطب را آزار می‌دهد. بازی‌ها به خصوص بازی صابر ابر به شدت تخت و تصنعی است، این می‌تواند به دلیل ضعف‌های متعدد فیلمنامه باشد که بازیگران نتوانسته‌اند آن را بپذیرند، به هر صورت «بعد از رفتن» نمونه‌ای دیگر از فیلم‌هایی است که کاربست آن سیاه‌نمایی اجتماعی و خانوادگی است که موضوع منسوخ‌شده‌اش مخاطب را پس می‌زند.



با کمک ۵/۱ میلیون دلاری

«اسپیلبرگ»

از اعتصاب‌های هالیوود حمایت کرد

استیون اسپیلبرگ و همسرش ۵/۱ میلیون دلار برای حمایت افراد آسیب‌دیده از اعتصاب‌های هالیوود اهدا کردند.

استیون اسپیلبرگ و همسرش کیت کیشاو یک‌میلیون و ۵۰۰ هزار دلار به نویسندگان، بازیگران و سایر کارکنان صنعت سینما که تحت تأثیر منفی اعتصاب انجمن نویسندگان و بازیگران قرار گرفته‌اند، اهدا کردند.

کمک این زوج به صندوق انجمن سرگرمی و همچنین برنامه کمک‌های مالی اضطراری بنیاد بازیگران پرداخت شده است.

صندوق بازیگران در بیانیه‌ای از این حمایت‌ها به عنوان محول‌کننده یاد و تأکید کرد که این صندوق به دست‌اندرکاران صنعت فیلم و تلویزیون که در شرایط اضطراری مالی هستند، کمک می‌کند تا بتوانند از پس مخارج اولیه زندگی مثل اجاره، خوارسار، بیمه درمانی، قبوض پزشکی و نیز مخارج حمایت از سلامت روان و موارد دیگر بیایند.

انجمن بازیگران خبر داده که از زمان شروع اعتصاب هر روز تا ۱۰۰۰ دلار خواست برای کمک مالی را بررسی کرده است که به پرداخت اجاره و وام مسکن، غذا و نیازهای پزشکی مربوط بوده‌اند.



تکیه دولت و تقویت موسیقی ایرانی از طریق شبیه‌خوانی

محمدحسین ناصر بیخ، پژوهشگر و استاد دانشگاه در مقدمه کتاب خود با عنوان «نقش بوشی در شبیه‌خوانی» به تعریف هنر شبیه‌خوانی و مسیر تحول آن در طول سده‌های گوناگون پرداخته است.

«شبیه‌خوانی» به جهت ابعاد مختلفی که پیدا کرده است، از بازنه‌ترین تجلی‌گاه‌های فرهنگ ایرانی است و هنرهایی از نوع آواز و موسیقی را نیز می‌توان در آن سراغ گرفت، به طوری که گروهی آن را حافظ و موجب احیا و اشاعه موسیقی ایرانی دانسته‌اند.

دلبستگی ناصرالدین شاه به این نمایش و برپا داشتن آن در تکیه دولت، پرورش خوانندگان و تشویق دارندگان صوت‌خوش به تعلیم موسیقی و خوانندگی را نیز رونق داد.

سعی و اهتمام استادان فن در ادای صحیح الحان و نعمات موسیقی ملی ایران از سوی جوانان خوش‌آواز که زیر نظر و تعلیم آنها برای خواندن تعزیه در تکیه دولت و دیگر مجالس بزرگ تربیت می‌شدند، خوانندگان استاد و بنامی پرورش داد که در فن خوانندگی و اطلاع از ردیف دستگاه و آواز و گوشه‌ها و ادای صحیح الحان از استادان عصر خود به شمار آمده‌اند.

همچنین چون جمعی از شبیه‌خوانان تکیه دولت از شهرها، ولایات، قصبات، فرای ایران، جهت ایام عزاداری، به پایتخت احضار می‌شدند، پس از اتمام این ایام به زادگاه خود مراجعت می‌کردند و به سهم خویش تربیت شبیه‌خوانان محل خود را به عهده می‌گرفتند و به این ترتیب دانش، تجربیات و نحوه تعلیم استادان فن در سراسر ایران به علاقه‌مندان و دست‌اندرکاران منتقل می‌شد.

